

فصلنامه علمی - پژوهشی زبان پژوهی دانشگاه الزهراء (س)

سال ششم، شماره ۱۳، زمستان ۱۳۹۳

تأثیر متغیرهای اجتماعی بر کاربرد متغیرهای زبانی فارسی در نهبندان: ساخت هجا، عناصر ساخت واژگی و نحوی

عباسعلی آهانگر^۱

محبوبه شاهسوار^۲

تاریخ دریافت: ۹۰/۶/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۰/۲۹

چکیده

زبان به عنوان پدیده‌ای اجتماعی همواره تحت تأثیر عوامل گوناگون دچار تغییراتی می‌شود که از مهم‌ترین این عوامل می‌توان به جنسیت، سن و تحصیلات به عنوان متغیرهای اجتماعی اشاره کرد. با توجه به اهمیت این متغیرها در ایجاد گوناگونی‌های زبانی، این مقاله به بررسی و تحلیل تأثیر متغیرهای اجتماعی ذکر شده بر میزان استفاده از برخی متغیرهای زبانی ساخت هجایی، ساخت واژگی و نحوی فارسی معیار توسط گویشوران نهبندانی می‌پردازد. به منظور

^۱ دانشیار و عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه سیستان و بلوچستان،

ahangar@english.usb.ac.ir

^۲ کارشناس ارشد زبان‌شناسی همگانی دانشگاه سیستان و بلوچستان، shahsavar_ling@yahoo.com

تحقق این هدف، با تعداد ۲۴ گویشور مذکر و مؤنث باسواد و بی‌سواد در سه گروه نوجوان، جوان و مسن مصاحبه به عمل آمد و متغیرهای زبانی مورد نظر از گفتار آنها استخراج گردید. بررسی و تحلیل رابطه بین متغیرهای اجتماعی-زبانی در داده‌های زبانی جمع‌آوری شده از گفتار این گویشوران نشان داده است با وجود این که تحصیلات عاملی مهم در ایجاد تمایز زبانی در بین گویشوران نهبندانی است، در برخی متغیرها باعث تمایز گفتار گویشوران باسواد و بی‌سواد نشده است. در گروه جوانان و افراد مسن، مشاهده گردید جنسیت در بیشتر متغیرها نقش تعیین‌کننده‌ای در تمایز گفتار زنان و مردان داشته است. افزایش سن در گروه جوانان و افراد مسن باسواد با افزایش استفاده از صورت‌های معیار همراه است. به علاوه، نتایج پژوهش نشان داد که در بیشتر متغیرها، جنسیت در تمایز گفتار نوجوانان دختر و پسر نقشی ندارد. هم‌چنین، مشاهده شد نوجوانان دارای والدین باسواد نسبت به نوجوانان دارای والدین بی‌سواد گفتارشان به فارسی معیار نزدیک‌تر است.

واژه‌های کلیدی: جنسیت، سن، تحصیلات، متغیرهای ساخت

هجایی، متغیرهای ساخت‌واژی، متغیرهای نحوی، نهبندان.

۱. مقدمه

زبان به‌عنوان پدیده‌ای پویا همواره در گذر زمان در ابعاد جغرافیایی و اجتماعی دستخوش تغییر و تحول شده است. این مهم، به نوبه خود، گونه‌های متنوع جغرافیایی (منطقه‌ای) و اجتماعی را پدید آورده است. در این راستا، جنسیت^۱، سن^۲ و طبقه اجتماعی از جمله

^۱ gender

^۲ age

مهم‌ترین متغیرهای اجتماعی^۱ به شمار می‌روند که گفتار سخنگویان زبان را تحت تأثیر قرار می‌دهند و موجب تغییرات زبانی می‌گردند (وارداف^۲، ۱۹۸۶، ۱۹۹۲، جهانگیری ۱۳۷۸ و لباو^۳، ۲۰۱۳). از سویی، هر چند که خصلت اجتماعی زبان به‌طور کلی مورد پذیرش و تأکید زبان‌شناسان قرار داشته و زبان همواره یک نهاد اجتماعی به شمار آمده است، اما تا همین اواخر به نقش عوامل اجتماعی در ساخت، کاربرد و تحول زبان چندان توجهی نگردیده است. به‌رغم تأکیدهایی که افرادی مانند مید^۴، روان‌شناس اجتماعی آمریکایی و میه^۵، زبان‌شناس فرانسوی بر خصلت اجتماعی زبان و اهمیت بررسی آن در بافت اجتماعی داشتند، تا نیمه قرن حاضر رابطه و همبستگی زبان و جامعه موضوع بررسی‌های دقیق و گسترده علمی قرار نگرفت (مدرسی، ۱۳۶۸: ۱۳).

با وجود این، بیشتر پیشرفت‌ها در زمینه زبان‌شناسی اجتماعی از اواخر دهه ۱۹۶۰ روی داده است. البته این بدان معنا نیست که مطالعه زبان در ارتباط با جامعه، ساخته این دهه است بلکه برعکس، سنت مطالعه گونه‌های زبانی و مطالعه کلی روابط بین معانی کلمات و فرهنگ بسیار طولانی است. آنچه جدید است، علاقه گسترده به زبان‌شناسی اجتماعی و شناخت این مطلب است که این علاقه هم بر ماهیت زبان و هم بر ماهیت جامعه پرتو می‌افکند (هادسن^۶، ۱۹۹۶: ۴). با توجه به اهمیت متغیرهای اجتماعی مختلف در ایجاد گوناگونی‌های زبانی، پژوهش‌های قابل توجهی در این زمینه انجام شده است که از میان زبان‌شناسان ایرانی می‌توان به پژوهش‌هایی به‌عنوان نمونه اشاره کرد.

پژوهش مدرسی (۱۹۷۸) که همبستگی میان درجات سنی و ویژگی‌های زبان فارسی را در سه گروه سنی ۱۹-۱۰ سال، ۲۹-۲۰ سال و گروه سنی میان‌سال مورد مطالعه قرار داده است، نشان داد که گروه‌های سنی بالاتر از صورت‌های زبانی دارای اعتبار بیشتر در گفتارشان استفاده می‌کنند. به‌عنوان مثال، حذف همخوان پایانی از خوشه‌های همخوانی

¹ social variables

² Wardhaugh

³ Labov

⁴ Mead

⁵ Millet

⁶ Hudson

پایانی واژگان فارسی که یک ویژگی غیرمعتبر است، در گفتار گروه‌های سنی جوان‌تر بیش از گروه‌های سنی میان‌سال مشاهده شده است.

در مطالعه دیگری، جهانگیری (۲۰۰۰) در بررسی اجتماعی فارسی تهران، متغیرهای واجی، ساخت‌واژی و نحوی را مورد بررسی قرار داده و نشان داده است که در تمام متغیرهای زبانی^۱، عوامل اجتماعی و غیراجتماعی مؤثر هستند. در این پژوهش که چهار طبقه اجتماعی دارای تحصیلات^۲ دانشگاهی، دبیرستانی، ابتدایی و فاقد تحصیلات را در دو جنس مؤنث و مذکر مورد مطالعه قرار داده است، مشاهده گردید که درصد همگونی واکه /e/ با واکه /o/ در هجای مجاور در افراد طبقه بالا دارای تحصیلات دانشگاهی کمتر از سایر افراد است. هم‌چنین این بررسی نشان داد که ساده‌شدن واکه‌های مرکب /ow/ و /ey/ که مشخصه‌ای غیرمعیار است معمولاً مربوط به افراد کارگر و مردان است. علاوه بر این، در حذف همخوان انسدادی-چاکنایی مشاهده شده است که برخلاف اکثر بررسی‌ها و مشاهدات، زنان بیشتر از مردان، این همخوان را حذف می‌کنند.

پژوهش سمائی‌نیا (۱۳۸۴) در بررسی رابطه متغیرهای اجتماعی تحصیلات، سن و جنسیت در فارسی سبزوار نشان داد که سطح تحصیلات مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در تمایز گفتار گویشوران است؛ به‌ویژه در گروه مردان طبقه اجتماعی بالا، به‌طوری که در اکثر اوقات گویش آنها معیارتر و رسمی‌تر است. به‌عنوان مثال، تحصیلات در نوجوانان دختر و پسر طبقه پایین جامعه باعث می‌شود تا اکثر اوقات گفتارشان معیارتر از گفتار والدین خود که دارای سطح تحصیلات پایینی هستند، باشد. عامل گروه سنی نیز در نتیجه وجود تعامل با گروه هم‌سالان در اکثر موارد باعث ایجاد تفاوت بین گفتار نوجوانان و مسن‌ترها شده است. هم‌چنین پژوهش وی در مورد متغیر جنسیت نشان داد در بیشتر متغیرها گفتار مردان طبقه بالا، نسبت به دیگر گروه‌ها، محافظه‌کارتر بوده است.

داورپناه (۱۳۸۵: ۲۰۰-۱۹۹) در پژوهش خود در ارتباط با تأثیر سن، جنس و طبقه اجتماعی در فارسی گفتاری مشهد، نشان داد در گروه جوانان و میان‌سالان هر چه سن کمتر باشد، استفاده از گونه‌های غیرمعیار بیشتر است. نوجوانان طبقه پایین نسبت به

^۱ linguistic variables

^۲ education

میان سالان هم طبقه خود، درصد کمتری از تغییرات زبانی را به خود اختصاص می‌دهند و نوجوانان طبقه بالای اجتماعی نسبت به میان سالان هم طبقه خود بیشتر از صورت‌های غیر معیار استفاده می‌کنند. به جز در متغیر حذف همخوان انسدادی-چاکنایی، گفتار زنان محافظه کارتر است و آنها سعی می‌کنند از گویش معیار استفاده نمایند. هم چنین پژوهش وی نشان داد با افزایش طبقه اجتماعی میزان استفاده از صورت‌های غیر معیار کمتر می‌شود.

هم چنین، آهنگر و شاهسوار (۱۳۸۸: ۱۱۱-۱۱۰) در بررسی تأثیر متغیرهای اجتماعی بر کاربرد همخوان‌ها در گویش^۱ نهندانی نشان داده‌اند که تحصیلات به ویژه در تمایز گفتار گویشوران مسن باسواد و بی سواد نقش مؤثری داشته است. هم چنین، در این پژوهش مشاهده گردیده است که در بیشتر متغیرهای مورد مطالعه تفاوت گفتار زنان و مردان ناچیز بوده است و در برخی از متغیرهای مورد مطالعه نیز گفتار مردان به فارسی معیار نزدیک تر است. افزایش سن در گروه نوجوانان دختر و پسر باسواد و نوجوانان پسر دارای والدین بی سواد، با افزایش استفاده از صورت‌های معیار و در گروه نوجوانان دختر دارای والدین بی سواد، با کاهش استفاده از صورت‌های غیر معیار همراه بوده است.

زبان‌شناسان غیر ایرانی بسیاری نیز پژوهش‌هایی درباره تأثیر متغیرهای اجتماعی بر روی گفتار گویشوران انجام داده‌اند^۲ به عنوان نمونه می‌توان به پژوهش‌های لباو (۱۹۶۶ و ۲۰۰۱)، ترادگیل^۳ (۱۹۷۴)، براداک^۴ و همکاران (۱۹۹۵)، هولمز^۵ (۱۹۹۵)، مک لاگان^۶ (۱۹۹۹)، اکرت^۷ (۲۰۰۰)، اینتاچاکرا^۸ (۲۰۰۱)، بلیک و جوسی^۹ (۲۰۰۳)، پرادیللا^{۱۰} (۲۰۰۳)، بریتین و

^۱ با توجه به ماهیت ساخت‌واژه تصریفی عناصر زبانی اسم، فعل و صفت در گونه زبانی نهندانی و تفاوت بارز بخش عمده‌ای از آنها به ویژه ماهیت تصریفی اسم و فعل با فارسی معیار، می‌توان این گونه زبانی را به عنوان گویش نهندانی تلقی کرد.

^۲ با توجه به زیاد بودن تعداد محققان خارجی که به بررسی نقش عوامل اجتماعی تحصیلات، سن و جنسیت پرداخته‌اند و نبودن مجال برای معرفی همه آنها، این آثار صرفاً معرفی گردیده و از ارائه توضیح و بیان یافته‌های آنها صرف نظر گردیده است.

^۳ Trudgil

^۴ Bradac

^۵ Holmses

^۶ Maclagan

^۷ Eckert

^۸ Intachakra

^۹ Blake & Josey

^{۱۰} Pradilla

ماتسوموتو^۱ (۲۰۰۵)، آروانیتی و گاردین^۲ (۲۰۰۵)، چشایر^۳ (۲۰۰۵)، کوها^۴ (۲۰۰۵)، مکالی^۵ (۲۰۰۵) مندوزا^۶ (۲۰۰۵)، بوچستالر^۷ (۲۰۰۶)، راو و چانگ^۸ (۲۰۰۶) و کرسویل^۹ (۲۰۰۶) اشاره کرد که هر یک به بررسی نقش عوامل اجتماعی سن، جنسیت و تحصیلات بر تغییرات زبانی پرداخته‌اند.

پژوهش حاضر نیز که در شهرستان نهبندان^{۱۰} صورت گرفته است، با هدف بررسی رابطه متغیرهای اجتماعی همچون سن، جنسیت و تحصیلات با متغیرهای زبانی، به توصیف و تحلیل کاربرد و توزیع متغیرهای زبانی مربوط در گفتار تعدادی از گویشوران نهبندانی زبان فارسی پرداخته است. این گویشوران را تعداد ۲۴ گویشور جنس مؤنث و مذکر در سه گروه سنی شامل نوجوانان (۷-۱۲)، جوانان (۲۵-۳۵) و افراد مسن ۵۰ سال به بالا که باسواد و بی‌سواد بوده‌اند، تشکیل می‌دهند. در بررسی میزان تأثیر سن بر گفتار گویشوران، گفتار نوجوانان با گفتار گویشوران مسن مقایسه شده است. افزون بر این، جهت بررسی بیشتر تأثیر متغیر اجتماعی تحصیلات بر کاربرد و توزیع متغیرهای زبانی مربوط، میزان تحصیلات والدین نوجوانان نیز مورد توجه قرار گرفته است. گویشوران نیز به دلیل مهاجرپذیری بودن شهرستان، عمدتاً به روش انتخابی و به‌ندرت تصادفی انتخاب شده‌اند. داده‌های زبانی پژوهش، طی دو مرحله و در قالب مصاحبه و ضبط گفتار آزاد جمع‌آوری گردید. در مرحله اول، داده‌های زبانی راهنما به‌منظور تعیین متغیرهای زبانی گردآوری

¹ Britian & K. Matsumoto

² Arvaniti & G. Garding

³ Cheshire

⁴ Kuha

⁵ Macaulay

⁶ Mendoza

⁷ Buchstaller

⁸ Rau & Chang

⁹ Kerswill

^{۱۰} نهبندان ناحیه‌ای است کویری، خشک و کم‌آب. اهمیت این منطقه، پیش از اسلام بسیار بیشتر بوده است چرا که این منطقه در مسیر بندرعباس به خراسان قرار داشته و از این باب، موقعیتی سوق‌الجیشی داشته است. نهبندان شهرستانی است واقع در استان خراسان جنوبی که جمعیت آن در سرشماری سال ۱۳۸۵ هـ ش ۵۳۶، ۵۹ نفر بوده است که از این شمار ۳۰،۳۶۱ نفر مرد و ۲۹،۱۷۵ نفر زن بوده‌اند. مردم نهبندان ایرانی و آریایی‌نژادند و با گویش محلی و نزدیک به خراسانی سخن می‌گویند. لهجه آنها به گویش سیستانی نیز نزدیک است (مرکز گردشگری علمی و فرهنگی دانشجویان ایران، ۲۰۰۴).

شدند. در این مرحله، گفتار تعدادی از افراد بی‌سواد^۱ ضبط و واج‌نویسی گردید و پس از مقایسه گفتار این گویشوران با فارسی معیار نوشتاری^۲، متغیرهای زبانی شناسایی و مشخص گردید. در مرحله دوم، داده‌های زبانی اصلی با هدف بررسی توزیع متغیرهای به‌دست آمده از مرحله اول بین گروه‌های مختلف دارای سن، جنسیت و تحصیلات متفاوت جمع‌آوری شدند. به‌منظور جمع‌آوری این داده‌ها، طی مصاحبه^{۳۳۷} دقیقه‌ای، گفتار آزمودنی‌ها در گروه‌های سنی نوجوان، جوان و مسن باسواد و بی‌سواد ضبط گردید و به‌منظور تکرار متغیرها در گفتار تمامی گویشوران، از آنها برحسب سن، جنسیت و تحصیلات پرسش‌های مشابهی در مورد مراسم‌های خاص مانند اعیاد، عزاداری‌ها، غذاها، بازی‌ها، ازدواج، خاطرات خوب و بد زندگی و... پرسیده شد و گاهی نیز گفتار آنها به‌صورت آزاد ضبط گردید. سپس به‌منظور تعیین فراوانی^۳ یا میزان وقوع آن دسته از متغیرهایی که در بین گویشوران بسامد وقوع بالایی داشتند، فرمول آماری $X = \frac{n}{k} \times 100$ مورد استفاده قرار گرفت. در این فرمول n برابر است با تعداد کل کلماتی که وضعیت بالفعل متغیر زبانی را دارا هستند یعنی تعداد صورت‌های زبانی که تحت تأثیر عوامل اجتماعی نسبت به فارسی معیار تغییر کرده‌اند و در گفتار گویشوران نهبندانی مشاهده شده‌اند و k تعداد کل کلماتی است که وضعیت بالقوه و بالفعل متغیر اجتماعی مربوط را دارا هستند یعنی k مجموع تعداد صورت‌های زبانی تغییر نیافته و تغییر یافته یک متغیر خاص را نشان می‌دهد. مثلاً، چنان‌چه تعداد کل کلماتی که در آنها متغیر ساخت‌واژی جمع /-hâ/ و /-â/ مشاهده شده ۱۰۰ باشد آن‌گاه k برابر است با ۱۰۰ و چنان‌چه از این تعداد، ۸۰ مورد به /-â/ تبدیل شده باشد آن‌گاه

^۱ از آنجا که متغیرهای زبانی در گفتار افراد بی‌سواد نمود بیشتری دارند، در این پژوهش، برای گردآوری داده‌های زبانی راهنما و تعیین متغیرهای زبانی از این افراد مصاحبه به عمل آمد.

^۲ با توجه به آن که صورت فارسی معیار نوشتاری کمتر در معرض تغییر قرار دارد و از ثبات لازم در مناطق مختلف جغرافیایی برخوردار است و هم‌چنین در مورد آن اتفاق نظر وجود دارد، در این مقاله سعی گردید تا از این‌گونه برای مقایسه گفتار گویشوران نهبندانی استفاده شود.

^۳ منظور از فراوانی، تعداد دفعات وقوع متغیر زبانی در گفتار گویشوران نهبندانی می‌باشد. مثلاً اگر تعداد کل وقوع صورت جمع /-hâ/ در گفتار گویشوران ۱۰۰ باشد و در ۵۰ مورد این متغیر به /-â/ تبدیل شده باشد، آن‌گاه فراوانی تبدیل متغیر ساخت‌واژی /-hâ/ به /-â/ ۵۰ است.

n برابر است با ۸۰. سپس، به منظور تعیین درصد فراوانی هر متغیر، اعداد حاصل را در عدد ۱۰۰ ضرب نموده تا درصد فراوانی هر متغیر به دست آید.

۲. توصیف و تحلیل داده‌های زبانی

در این بخش از پژوهش از میان متغیرهای مختلف، به ترتیب به بررسی و توصیف برخی از متغیرهای ساخت هجایی^۱، ساخت واژی^۲ و نحوی^۳ که در گفتار گویشوران نهندانی از توزیع بالایی برخوردار بودند، پرداخته شده است.

۲.۱. متغیرهای ساخت هجایی

هجا یک رشته آوایی پیوسته است که دارای یک واکه و یک تا سه همخوان می‌باشد؛ انواع هجا، در زبان فارسی، شامل هجاهای CV، CVC و CVCC می‌باشد (صادقی، ۱۳۸۰: ۱۰۹-۱۰۸). اما بررسی تاریخی زبان فارسی نشان می‌دهد که بسیاری از کلمات در زبان‌های قدیم و میانه ایرانی با دو همخوان آغازی (خوشه همخوان آغازی) شروع می‌شده‌اند، مانند 'draxt' و 'spēd' در زبان پهلوی. این خوشه‌های آغازی در زبان فارسی دری از همان آغاز متحول شده‌اند و به کمک مصوتی شکسته شده‌اند (همان: ۱۲-۱۱). طبق نظر صادقی:

ایران‌شناسانی که تحول خوشه‌های آغازی فارسی میانه را بررسی کرده‌اند، یادآور شده‌اند که این خوشه‌ها به دو صورت تحول پیدا کرده‌اند: یا یک مصوت کوتاه به نام مصوت میانجی (anaptyctic) میان دو صامت واسطه شده است، مانند مصوتی که در کلمه 'sipēd' («سپید») دیده می‌شود که از 'spēd' گرفته شده است و یا یک مصوت در آغاز خوشه اضافه می‌شده است مانند 'ispanđ' که از 'spanđ' گرفته شده‌اند. به این مصوت پیش‌هشت (prothetic) گفته می‌شود.

صادقی (۱۳۸۰: ۱۳)

¹ syllable structure variables

² morphological variables

³ syntactic variables

بررسی داده‌های زبانی به‌دست آمده نشان می‌دهد که هر دو روش تحول خوشه همخوانی در گویش نهبندانی به کار رفته است که در زیر نمونه‌هایی آورده شده است.

- 1) i. /ʃekam/ شکم → /eʃkam/ ii. /ʃotor/ شتر → /eʃtor/
 2) /mâ 'az guʃ-e xod-emân **ʃenid-im**/ فارسی معیار

«ما از گوش خودمان شنیدیم.»

مرد جوان بی‌سواد /mâ 'az guʃ xo'aʃnid-e/

اما با وجود این که پدیده شکسته‌شدن خوشه همخوان آغازی از دوره باستان در زبان‌های ایرانی شروع شده و در دوره میانه گسترش بیشتری پیدا کرده است، فرایند تشکیل خوشه‌های همخوان آغازی در برخی گونه‌های زبانی همچنان حفظ گردیده است. به‌عنوان مثال، جهانگیری (۱۳۷۸: ۸۰) و آهنگر (۱۳۸۲: ۱۶) وجود خوشه همخوان آغازی در گویش سیستانی را گزارش نموده‌اند. این پدیده، در گویش نهبندانی نیز مشاهده شده است.

۲.۱.۱. خوشه همخوان آغازی

در گویش نهبندانی، در برخی واژه‌ها، خوشه همخوان آغازی مشاهده شده است که در زیر نحوه ایجاد این خوشه‌ها آمده است:

CV. CV → CCV

CV. CVC → CCVC

3) i. /pesar/ پسر → /psar/ v. /barâdar/ برادر → /brâdar/

ii. /kon-ad/ کُند → /kn-e/ vi. /derâz/ دراز → /drâz

iii. /ʃomâ/ شما → /ʃmâ/ viii. /deraxt/ درخت → /draxt//

iv. /sefid/ سفید → /spe:d / viii. /balad/ بلد → /blad/

4) /tʃahâr tâ **pesar** dâr-im/ فارسی معیار

«چهار تا پسر داریم.»

مرد مسن بی‌سواد /tʃâr tâ **psar** dare/

در داده‌های زبانی به دست آمده از گویش نهندانی، خوشه همخوان آغازی به عنوان متغیر ساخت هجایی در کاربرد پیشوند حال /mi-/ و پیشوند امری و التزامی /be-/ نیز مشاهده شده است.

5) i. /mi-kon-and/ می‌کند → /me-n-e/ → /m-n-e/

ii. /be-gir/ بگیر → /b-gir/

iii. /be-rav-im/ برویم → /b-r-e/

6) /mi-xâh-im be pârk **be-rav-im** / فارسی معیار

«می‌خواهیم به پارک برویم.»

/mi-xâ **b-r-e** park/ دختر نوجوان دارای والدین باسواد

کلید مثال‌های بالا، نشان می‌دهد که برخلاف فارسی معیار در گویش نهندانی خوشه همخوان آغازی وجود دارد.

بررسی جدول‌های (۱) و (۲) نشان می‌دهد که در هر دو گروه جوانان و افراد مسن، با افزایش تحصیلات میزان استفاده از ساخت هجای دارای خوشه همخوانی به میزان بالایی کاهش یافته است و گفتار این گویشوران به گونه فارسی معیار نزدیک‌تر شده است. افزایش سن در گروه افراد بی‌سواد، با افزایش میزان استفاده از ساخت هجای دارای خوشه همخوانی همراه است. در همه موارد، گفتار زنان به فارسی معیار نزدیک‌تر است و آنها به میزان کمتری از این ساخت هجایی استفاده نموده‌اند.

درصد استفاده از ساخت هجای دارای خوشه همخوانی در گروه نوجوانان دختر و پسر دارای والدین باسواد و بی‌سواد، نسبت به افراد مسن باسواد و بی‌سواد کمتر است و افزایش سن در این دو گروه، با افزایش استفاده از ساخت هجایی CCV همراه است. البته این تفاوت در گروه دختران نوجوان دارای والدین بی‌سواد و زنان مسن بی‌سواد تمایز دهنده نیست. جنسیت در تمایز گفتار دختران و پسران دارای والدین بی‌سواد نقش تمایز دهنده دارد، به طوری که دختران به نسبت بیشتری از این ساخت استفاده نموده‌اند. این در حالی است که این متغیر در تمایز گفتار نوجوانان دختر و پسر دارای والدین باسواد نقشی ندارد.

نوجوانان دارای والدین باسواد نسبت به نوجوانان دارای والدین بی‌سواد گفتارشان به فارسی معیار نزدیک‌تر است.

جدول ۱. درصد ایجاد خوشه همخوان آغازی در جوانان و گویشوران مسن بر حسب سن، جنسیت و تحصیلات

مرد				زن				تحصیلات
مسن		جوان		مسن		جوان		
فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	
۶	۱۵/۷۸	۲۵	۴۲/۳۷	۷	۹/۳۷	۶	۱۱/۵۳	باسواد
۱۵	۴۶/۵۱	۴۳	۳۷/۰۶	۲۹	۳۶/۲۵	۱۱	۱۵/۰۶	بی‌سواد

جدول ۲. درصد ایجاد خوشه همخوان آغازی در نوجوانان بر حسب جنسیت و میزان تحصیلات والدین

پسر		دختر		والدین
فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	
۲	۵/۱۲	۲	۵/۷۱	باسواد
۴	۱۲/۹۰	۲۶	۴۱/۹۳	بی‌سواد

۲.۲. متغیرهای ساخت‌واژی

متغیرهای ساخت‌واژی استخراج‌شده از داده‌های زبانی، شامل صورت‌های مختلف نشانه جمع /hâ/ و /ân-/، پیشوند فعلی /be-/، پیشوند نفی /na-/، نشانه نکره /i-/ و پیشوند استمراری /mi-/ است که در ادامه به توصیف و بررسی هر یک از آنها پرداخته خواهد شد.

۲.۲.۱. نشانه جمع

دو نشانه‌ای که بیشتر برای نشان دادن جمع به کار می‌رود -ها /hâ/ و -ان /-ân/ است. در گفتار و نوشتار عادی، در شکل جمع همه اسم‌ها نشانه -ها /hâ/ و در گفتار و نوشتار رسمی، با اسم انسان و برخی اسم‌های جان‌داران و گیاهان نشانه جمع -ان /-ân/ و با اسم دارای مشخصه غیرجان‌دار، نشانه جمع -ها /hâ/ ظاهر می‌شود (مشکوه‌الدینی، ۱۳۸۴: ۴۳-۴۲).

۲.۲.۱.۱. نشانه جمع /hâ/

با توجه به داده‌های زبانی موجود، در بسیاری از موارد نشانه جمع /hâ/ به /â/ تبدیل شده است. متغیر /hâ/ در دو جایگاه پس از همخوان و پس از واکه، به /â/ تبدیل شده است.

الف. جایگاه پس از همخوان

در بیشتر داده‌های زبانی مشاهده شده، هنگامی که نشانه جمع /hâ/ پس از همخوان قرار گرفته است، واج /h/ آن حذف شده است که البته فرایند تبدیل /hâ/ به /â/ در جایگاه پس از همخوان در فارسی گفتاری معیار نیز صادق است که این خود مؤید تغییر گسترده این متغیر زبانی در زبان فارسی و گونه‌های آن است. با توجه به تفاوت‌های مشاهده شده در میزان استفاده از این متغیر در گروه‌های مختلف گویشوران نهبندانی به بررسی میزان وقوع آن در گویشوران مختلف پرداخته شده است.

7) i. /masdʒed-hâ/ → /mastʃed-â/ مسجدها

ii. /heyʔat-hâ/ → /heyʔat-â/ هیئت‌ها

iii. /čeʃm-hâ/ → /tʃaʃ-â/ چشم‌ها

iv. /sang-hâ/ → /sang-â/ سنگ‌ها

v. /kâr-hâ/ → /kâr-â/ کارها

vi. /ketâb-hâ/ → /ketâb-â/ کتاب‌ها

8) /tup râ mi-zan-im be sang-hâ/

فارسی معیار

«توپ را به سنگ‌ها می‌زنیم.»

/tupp-e m-zan-e va seng-â/

دختر نوجوان دارای والدین بی‌سواد

ب. جایگاه پس از واکه

واج /h/ در نشانهٔ جمع /hâ/ معمولاً پس از واکه حذف می‌شود و در بیشتر داده‌های زبانی مشاهده شده، پس از حذف /h/ اگر واکه قبل از آن دو، واکهٔ افزاشته /i/ و یا /u/ باشد، برای جلوگیری از ایجاد خوشهٔ دو واکه‌ای و التقای واکه‌ها، واج میانجی /y/ به‌طور اختیاری بین آنها قرار می‌گیرد.

9) i. /dâne.fɔʒu-hâ/ دانشجوها → /dâne.fɔʒu-â/ ~ /dâne.fɔʒu-(y)-â/

ii. /boxâri-hâ/ بخاری‌ها → /boxe:ri-â/

iii. /xâne-hâ/ خانه‌ها → /xune-â/

iv. /bâzi-hâ/ بازی‌ها → /be:zi-â/ ~ /be:zi-(y)-â/

10) /bâzi-hâ-e mohall-i-(y)-e mâ xat bâzi 'ast/

فارسی معیار

«بازی‌های محلی ما خط‌بازی است.»

/be:zi-(y)-â mohall-i mâ xat be:zi-(y)-e/

دختر نوجوان دارای والدین بی‌سواد

بررسی جدول‌های (۳) و (۴) نشان می‌دهد که هر دو گروه باسواد و بی‌سواد به میزان زیادی حذف /h/ از نشانهٔ جمع /hâ/ را به خود اختصاص داده‌اند. افزایش سن در گروه افراد باسواد با افزایش و در گروه افراد بی‌سواد با کاهش استفاده از این متغیر همراه است که البته متغیر سن، در گروه باسواد، تمایز دهنده نیست.

متغیر جنسیت، تنها در تمایز گفتار مردان و زنان جوان بی‌سواد نقش دارد. در گروه جوانان بی‌سواد، مردان درصد کمتری از حذف /h/ از نشانهٔ جمع /hâ/ را نسبت به زنان به خود اختصاص داده‌اند و گفتار آنها به گونهٔ فارسی معیار نزدیک‌تر است. در بقیهٔ موارد اختلاف ناچیز است.

۲۰ / تأثیر متغیرهای اجتماعی بر کاربرد متغیرهای زبانی فارسی در نهمندان: ساخت هجا، عناصر ...

نوجوانان دختر و پسر هر دو گروه، بیشتر از گویشوران مسن هم گروه خود نشانه جمع /hâ/ را به /â/ تبدیل نموده‌اند که این امر می‌تواند تحت تأثیر متغیر سن باشد. یعنی، با افزایش سن میزان استفاده از متغیر /â/ کاهش یافته است و گفتار گویشوران به فارسی معیار نزدیک‌تر شده است. با توجه به داده‌های به دست آمده، جنسیت در تمایز گفتار گویشوران دختر و پسر نوجوان هر دو گروه دارای والدین باسواد و بی سواد نقشی ندارد.

جدول ۳. درصد حذف همخوان /h/ از نشانه جمع /hâ/ در جوانان و گویشوران مسن بر حسب سن، جنسیت و تحصیلات

تحصیلات		زن				مرد	
		جوان		مسن		مسن	
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
باسواد		۳۹	۷۶/۲۵	۳۱	۶۴/۱۵	۳۴	۶۹/۳۸
بی سواد		۳۶	۶۹/۳۸	۳۴	۷۸/۷۲	۳۷	۶۹/۷۶

جدول ۴. درصد حذف /h/ از نشانه جمع /hâ/ در نوجوانان بر حسب جنسیت و تحصیلات والدین

والدین		دختر		پسر	
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
باسواد		۱۳	۸۱/۲۵	۱۳	۸۱/۲۵
بی سواد		۳۳	۷۵	۱۷	۷۷/۲۷

۲.۲.۱. ۲.۲.۲. نشانه جمع /-ân/

نشانه جمع -ân در فارسی معیار بر حسب صدای پایانی اسم نموده‌های متفاوتی دارد:
 الف) با واژه اسم با صدای مصوت پایانی a و یا i به صورت [yân] yan مانند دانایان؛
 ب) با واژه اسم با مصوت پایانی e به صورت [gân] gan مانند ستارگان و
 ج) با واژه اسم با صدای مصوت پایانی u و یا o به صورت [wân] wan ظاهر می‌شود
 (مشکوه‌الدینی، ۱۳۸۴: ۴۳-۴۲).

از بین نمودهای مختلف نشانه جمع *-ân*، مورد (ب) در گویش نهبندانی به‌ویژه در گفتار گویشوران مسن مشاهده گردیده است.^۱

تبدیل نشانه جمع */ân/* در پیکرهٔ زبانی به‌دست آمده از گویشوران نهبندانی، تنها پس از همخوان مشاهده شده است و در بیشتر داده‌های زبانی، همخوان پایانی */n/* حذف و واکهٔ */â/* به */u/* تبدیل شده است و گاهی نیز تبدیل */â/* به */u/* بدون حذف */n/* پایانی صورت گرفته است. در زیر نمونه‌هایی از این تغییر آورده شده است.

- 11) i. */bozorgtar-ân/* بزرگ‌تران → */bozorgtar-â/* ~ */bozorgtar-u/*
 ii. */xâhar-ân/* خواهران → */xâhar-un/*
 iii. */zan-ân/* زنان → */zan-un/*

12) */zan-ân-e hâlâ mesl-e zan-ân-e qadim 'az 'ânhâ be sar-efân ne-mi-zan-and/* فارسی معیار

«زنان حالا مثل زنان قدیم از آنها به سرشان نمی‌زنند.»

/zan-un hâlâ mes-e zan-un qadim 'az-u fu ve sar xo ne-mi-zan-e/ مرد جوان بی‌سواد

۲.۲.۲. پیشوند نفی */na-/*

پیشوند نفی */na-/* در زبان فارسی، در صورت‌های فعلی دارای پیشوند */mi-/* به‌صورت */ne-/* و در صورت‌های فعلی بدون پیشوند */mi-/* به‌صورت */na-/* ظاهر می‌شود (مشکوه‌الدینی، ۱۳۸۱: ۱۱۸). اما در گویش نهبندانی صورت اصلی پیشوند نفی، یعنی */na-/* پیش از پیشوند */mi-/* در گفتار برخی از گویشوران حفظ شده است، یعنی هر دو صورت */na-/* و */ne-/* با بسامد متفاوت مورد استفاده گویشوران قرار گرفته‌اند. اما در صورت‌های فاقد پیشوند حال */mi-/* فقط صورت */na-/* مشاهده شده است. نمونه‌هایی از این تغییرات در مثال‌های زیر ارائه شده است.

- 13) i. */ne-mi-tavân-im/* نمی‌توانیم → */na-mi-tun-e/* → */na-me-tt-e/*

^۱ با توجه به وقوع اندک این متغیر در گفتار گویشوران، تنها به توصیف آن بسنده شده است و از ارائهٔ جدول صرف‌نظر گردیده است.

۲۲ / تأثیر متغیرهای اجتماعی بر کاربرد متغیرهای زبانی فارسی در نهندان: ساخت هجا، عناصر ...

ii. /ne-mi-koʃ-and/ نمی کشند → /na-mo-kʃ-e/

iii. /ne-mi-dân-am/ نمی دانم → /na-mi-dun-am/

14) /baʔd gusfând mi-koʃ-and, ne-mi-koʃ-and !/ فارسی معیار

«بعد گوسفند می کشند، نمی کشند!»

/ba:d gusfond mo-kʃ-e, na-mo-kʃ-e !/ زن جوان بی سواد

۲.۲.۳. پیشوند فعلی /be-/

با توجه به داده‌های زبانی موجود در گویش نهندانی، پیشوند امری و التزامی /be-/ دارای متغیرهای /bo-، /bi-، /b- و /Ø/ است.

الف. صورت مضارع التزامی

صورت مضارع التزامی در فارسی، از ترکیب مضارع ساده با جزء پیشین *be-* ساخته می‌شود و برای بیان شک و تردید، آرزو، بیان فعلی که همراه شرط می‌آید و بعد از فعل‌ها و کلمه‌هایی که بر «لزوم» یا «خواست» و جز آنها دلالت می‌کنند به کار می‌رود (احمدی گیوی و انوری، ۱۳۸۷: ۴۲).

15) i. /be/ + /'oftad/ بیافتد → /bi-(y)-oft-ad/ → /be-ft-e/

ii. /be/ + /bin-im/ ببینیم → /be-bin-e/ → /bin-e/

iii. /be-gozâr-im/ بگذاریم → /bo-gzâr-e/

iv. /be-rav-am/ بروم → /b-r-o/

ب. صورت امری

پیشوند امری /be-/ در فارسی نهندانی، به صورت‌های مختلف نمود پیدا می‌کند که در زیر نمونه‌هایی از این تغییر آورده شده است.

16) i. /be-ro/ برو → /b-r-o/

ii. /be-gozâr/ بگذار → /bo-gzâr/

iii. /be + 'âvar/ بیاور → /bi-(y)-âvar/ → /bi-(y)-âr/

فارسی معیار /momken 'ast dar xâne-hâ-(y)-e mardom **bi-(y)-oft-ad/** 17)

«ممکن است در خانه‌های مردم بیفتد.»

مرد جوان باسواد /momken-e tu xune-hâ mardom **be-ft-a/**

۲.۲.۴. نشانه نکره /-i/

نشانه نکره در فارسی معیار، /-i/ است اما این نشانه در فارسی گفتاری گویشوران نهبندانی، در بیشتر موارد، به /-e/ تبدیل شده است.

فارسی معیار /yek **gusfand-i** dâng-i mi-gir-im/ 18)

«یک گوسفندی دانگی می‌گیریم.»

زن مسن باسواد /yeg **gusfand-e** dong-i mi-gir-e/

بررسی جدول‌های (۵) و (۶) نشان می‌دهد که تحصیلات، تنها در تمایز گفتار زنان مسن باسواد و بی‌سواد نقش بسزایی داشته است؛ در بقیه موارد اختلاف گفتار گویشوران باسواد نسبت به گفتار گویشوران بی‌سواد بسیار ناچیز است. در هر دو گروه باسواد و بی‌سواد، زنان نسبت به مردان به میزان کمتری از متغیر تبدیل نشانه نکره /-i/ به /-e/ استفاده نموده و گفتارشان به فارسی معیار نزدیک‌تر است.

در گروه نوجوانان، پسران و دختران دارای والدین باسواد و بی‌سواد، به‌جز نوجوانان دختر دارای والدین بی‌سواد، نسبت به گویشوران مسن هم‌گروه خود به میزان کمتری نشانه نکره /-i/ را به /-e/ تبدیل نموده‌اند و گفتارشان به فارسی معیار نزدیک‌تر است. از طرفی، در هر دو گروه دختران و پسران نوجوان دارای والدین باسواد و بی‌سواد با وجود معیارتر بودن گفتار دختران، اختلاف گفتار آنها با پسران نوجوان هم‌گروهشان بسیار ناچیز است و جنسیت، در این گروه‌ها، نقش بسزایی ندارد. نوجوانان دارای والدین باسواد نسبت به نوجوانان دارای والدین بی‌سواد، گفتارشان به فارسی معیار نزدیک‌تر است.

جدول ۵. درصد تبدیل نشانه تکره /-i/ به /-e/ در جوانان و گویشوران مسن بر حسب سن، جنسیت و تحصیلات

مرد		زن				تحصیلات	
مسن		جوان		مسن		جوان	
فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
۸	۶۶/۶۶	۱۷	۷۰/۸۳	۳	۹/۳۷	۸	۳۲
۷	۷۷/۷۷	۱۵	۸۴/۴۶	۱۰	۳۷/۰۳	۱۰	۳۴/۴۸

جدول ۶. درصد تبدیل نشانه تکره /-i/ به /-e/ در نوجوانان بر حسب جنسیت و تحصیلات والدین

پسر		دختر		والدین
فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	
۱	۶/۶۶	۰	۰	باسواد
۶	۵۰	۱۰	۴۳/۴۷	بی‌سواد

۵.۲.۲. پیشوند استمراری /-mi/

پیشوند استمراری، در فارسی معیار، /-mi/ است. این پیشوند، در بیشتر داده‌های زبانی گویش نهبندانی، تحت تأثیر واکه هجای بعد از خود به /-me/ یا /-mo/ و گاهی نیز به /-m/ تبدیل شده است. موارد ذکر شده در زیر نمونه‌هایی از این تغییر است.

- 19) i. /mi-ferest-and/ می‌فرستند → /me-frest-e/
 ii. /mi-puʃ-and/ می‌پوشند → /m-puʃ-e/
 iii. /mi-paz-and/ می‌پزند → /m-paz-e/
 iv. /mi-gozâr-im/ می‌گذاریم → /mi-gzâr-e/ ~ /mo-gzâr-e/
 v. /mi-koʃ-and/ می‌کشند → /mi-koʃ-e/ ~ /mo-kʃ-e/
 vi. /mi-kon-and/ می‌کنند → /mi-kn-e/ ~ /me-kn-e/ ~ /me-n-e/ ~ /m-n-e/

فارسی معیار /mardom dâr-and 'estefâde **mi-kon-and**/ 20)

«مردم دارند استفاده می‌کنند.»

مرد جوان باسواد /mardom dâr-e 'estefâda **m-n-e**/

بررسی جدول‌های (۷) و (۸) نشان می‌دهد که در بین گویشوران جوان و مسن، تحصیلات تنها در تمایز گفتار گویشوران زن و مرد مسن باسواد و بی‌سواد نقش مؤثری داشته است به گونه‌ای که گفتار گویشوران باسواد به فارسی معیار نزدیک‌تر است. در گروه جوانان، تحصیلات باعث کاهش استفاده از صورت‌های غیرمعیار نشده است. متغیر جنسیت نیز نقش بسزایی در تمایز گفتار گویشوران مرد و زن داشته است به طوری که در هر دو گروه باسواد و بی‌سواد، زنان نسبت به مردان به میزان کمتری از متغیر تبدیل پیشوند استمراری /mi-/ استفاده نموده و گفتارشان به گونه فارسی معیار نزدیک‌تر است.

در گروه نوجوانان دختر دارای والدین باسواد و بی‌سواد با افزایش سن، گفتار گویشوران معیارتر شده است. از طرفی، با توجه به جدول‌ها و نمودارها، مشاهده گردید که نوجوانان دختر نسبت به پسران به میزان بیشتری از صورت‌های غیرمعیار متغیر /mi-/ استفاده نموده‌اند و گفتارشان از فارسی معیار فاصله بیشتری گرفته است. نوجوانان دارای والدین باسواد نسبت به نوجوانان دارای والدین بی‌سواد گفتارشان به فارسی معیار نزدیک‌تر است.

جدول ۷. درصد تبدیل پیشوند استمراری /mi-/ به /me-، /mo- و /m- در جوانان و گویشوران مسن بر حسب سن، جنسیت و تحصیلات

مرد		جوان		زن		جوان		تحصیلات
				مسن	جوان			
فرآوانی	درصد	فرآوانی	درصد	فرآوانی	درصد	فرآوانی	درصد	
۶	۲۷/۲۷	۲۸	۷۳/۶۸	۰	۰	۲۶	۵۷/۷۷	باسواد
۲۱	۶۵/۶۲	۱۳	۵۰	۱۰	۲۹/۴۱	۲۱	۳۹/۶۲	بی‌سواد

جدول ۸. درصد تبدیل پیشوند استمراری /mi-/ به /me-/، /mo-/ و /m-/ در نوجوانان بر حسب جنسیت و تحصیلات والدین

پسر		دختر		والدین
فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	
۰	۰	۱۱	۵۰	باسواد
۲۶	۶۰/۴۶	۱۹	۷۰/۳۷	بی‌سواد

۲.۲.۲. شناسه‌های فعلی

در فارسی پسوند در ساخت واژه فعل حال و گذشته و نیز فعل معین «خواه» در فعل آینده، پسوند شناسه است (مشکوه‌الدینی، ۱۳۸۱: ۷۵).

الف. شناسه‌های فعلی زمان حال

شناسه‌های فعلی، عناصری ساخت‌واژی هستند که رابطهٔ مطابقت فاعل و فعل را نشان می‌دهند. شناسه‌های فعلی زمان حال، در فارسی معیار، به‌صورت /-am/، /-i/، /-ad/، /-im/، /-id/ و /-and/ است که در گویش نهندانی، بخش همخوان این شناسه‌ها حذف، و واکهٔ پیش از آن تغییر کرده است. در واقع شناسه‌های موجود در گویش نهندانی، صورت تغییر یافتهٔ شناسه‌های فارسی معیار است.

شناسه‌های فعلی زمان حال در گویش نهندانی در جدول ۹ ارائه شده است.

جدول ۹. شناسه‌های فعلی زمان حال در گویش نهندانی

شناسه‌های فعلی	اول شخص	دوم شخص	سوم شخص
مفرد	/ -o ~ -u ~ -â/	/ -i/	/ -e/
جمع	/ -e/	/ -e/	/ -e/

در زیر نمونه‌هایی از شناسه‌های فعلی زمان حال در گویش نهندانی، در قالب جمله، ارائه شده است.

21) i. /kâr-hâ-y-e xâne-y-e xod râ **mi-kon-am**/ فارسی معیار

«کارهای خانه خود را می‌کنم.»

/kâr-â xune xo ra **me-kn-o**/ زن جوان بی‌سواد

ii. /kodʒâ **mi-xâh-i** be-rav-i?/ فارسی معیار

«کجا می‌خواهی بروی؟»

/kodʒe **mi-xe** b-r-i?/ دختر نوجوان دارای والدین بی‌سواد

iii. /yek-i 'alʔân zâhedân dar dâneʃgâh dars **mi-xân-ad**/ فارسی معیار

«یکی الان زاهدان در دانشگاه درس می‌خواند.»

/yek-i dâneʃgâh 'alʔân zâhedân **mi-xun-e** dars/ مرد مسن بی‌سواد

iv. /mâ dar xâne-hâ-(y)-emân mi-mân-im/ فارسی معیار

«ما در خانه‌هایمان می‌مانیم.»

/mâ **me-st-e** tu xune-hâ xo/ پسر نوجوان دارای والدین بی‌سواد

v. /hamân qazâ râ hame-(y)-e ʃomâ dorost **kon-id**/ فارسی معیار

«همان غذا را همه شما درست کنید.»

/hamu ʒazâ re hame ʃomâ dores **ken-e**/ زن جوان بی‌سواد

vi. /hame xânevâde-hâ daste dʒamʔ-i bâ xânevâde-(y)-e xod-eʃân **mi-rav-and** ru-(y)-e keʃmân/ فارسی معیار

فارسی معیار

۲۸ / تأثیر متغیرهای اجتماعی بر کاربرد متغیرهای زبانی فارسی در نهندان: ساخت هجا، عناصر ...

«همه خانواده‌ها دسته‌جمعی با خانواده خودشان می‌روند توی کشمان.»

/hame xunevade-hâ daste dʒa:m-i xod xunevade xod xo **mi-r-e** var ri keʃmu/
مرد جوان بی سواد

ب. شناسه‌های فعلی زمان گذشته

شناسه‌های فعلی زمان گذشته، در فارسی معیار، به صورت /-am/، /-i/، /Ø/، /-im/، /-id/ و /-and/ است که در گویش نهندانی همچون شناسه‌های زمان حال، بخش همخوانی آنها حذف، و واکه پیش از آن متحول شده است. شناسه‌های فعلی زمان گذشته، در گویش نهندانی، در جدول ۱۰ ارائه شده است.

جدول ۱۰. شناسه‌های فعلی زمان گذشته گویش نهندانی

شناسه‌های فعلی	اول شخص	دوم شخص	سوم شخص
مفرد	/-o ~ -u ~ -â/	/-i/	/-Ø/, /-ak/
جمع	/-e/	/-e/	/-e/

در زیر نمونه‌هایی از شناسه‌های فعلی زمان گذشته در گویش نهندانی آورده شده است.

فارسی معیار /man pârsâl peygir-e sanad-aʃ **bud-am/** 22)

«من پارسال پی گیر سندش بودم.»

مرد جوان باسواد /mâ pârsâl peygir-e sanad-eʃ **bud-o/**

از آنجا که مفهوم /mâ/ در این جمله مفرد است، فعل آن به همراه شناسه اول شخص مفرد آمده است.

فارسی معیار i. /be madrese ham **raft-i** soʔâl **kard-i ?/** 23)

«به مدرسه هم رفتی سؤال کردی؟»

/tu madrasa 'am **raft-i** soʔâl **kard-i** ?/ زن جوان بی‌سواد

ii. /pedar-am mi-xâst makke be-rav-ad digar yek mariz-i-i 'u râ **gereft mord**/ فارسی معیار

«پدرم می‌خواست به مکه برود دیگر یک مریضی او را گرفت، مرد.»

/pedar mâ mi-xâs makka b-r-e dige yeg mariz-i-i 'u re **gereft-ak mord-ak**/ زن جوان بی‌سواد

iii. /mâ kelâs-e golsâz-i **mi-raft-im**/ فارسی معیار

«ما کلاس گل‌سازی می‌رفتیم.»

/mâ kelâs golsâz-i **mi-raft-e**/ دختر نوجوان دارای والدین بی‌سواد

iv. /mâh-e moharram tʃe kâr **mi-kon-id**/ فارسی معیار

«ماه محرم چه کار می‌کنید.»

/mâh-e moharram-e tʃe kâr **mi-n-e**/ دختر نوجوان بی‌سواد

v. /barâdar-aʃ va pedar-aʃ va mâdar-aʃ 'âmad-and xâstegâr-i/ فارسی معیار

«برادرش و پدرش و مادرش به خواستگاری آمدند.»

/barâdar-u (n)o pedar-u (n)o mâdar-u 'umad-e xâstegâr-i/ زن جوان بی‌سواد

با توجه به داده‌های زبانی مشاهده شده، در همه شناسه‌های فعلی که به همخوان ختم شده‌اند، همخوان پایانی حذف و واکنه پیش از آنها متحول شده است. بدین ترتیب، یکی از مشکلات شناسه‌های فعلی گویش نهبندانی، این است که در صورت نبودِ فاعل در جمله، نمی‌توان از روی شناسه‌ها به‌جز در مورد شناسه اول شخص مفرد /-am/ و شناسه دوم شخص مفرد /-i/ افعال گذشته و حال، فاعل جمله را تشخیص داد زیرا در این گویش، شناسه شخصی فاعلی خاصی، برای سوم شخص مفرد حال و دوم شخص و سوم شخص

جمع زمان حال و گذشته که در فارسی به /d/ ختم می‌شوند، وجود ندارد. به‌عنوان نمونه، با خواندن متن زیر نمی‌توان تشخیص داد که فاعل آن چه شخص و شماری است و اگر چنین جمله‌ای خارج از بافت مطرح شود برای خواننده مبهم است.

24) /sizda be dar bâ ham dʒamʔ mi-fav-im baʔd yek dʒâ-(y)-e moʃaxxas-i râ moʔayyan mi-kon-im digar mi-rav-im barây-e-xod-e-mân tâ baʔd 'az zohr 'ândʒâ/
فارسی معیار

«سیزده به در با هم جمع می‌شویم. بعد یک جای مشخصی را معین می‌کنیم دیگر برای خودمان تا بعد از ظهر می‌رویم آنجا.»

دختر نوجوان دارای والدین بی‌سواد

/sizda be dar xod ham dʒa:m mi-f-e ba:d dige yeg dʒâ moʃaxxas-e re moʔayyan me-n-e diga mi-r-e var xo 'undʒe ta ba:dazohr/

آنچه را در این خصوص باید توجه کرد این است که حتی اگر فاعل جمله بالا، سوم شخص هم باشد تغییری در ساختار شناسه‌های فعلی ایجاد نمی‌شود. علاوه بر این، کلمه /xod/ که به‌جای ضمیر متصل آمده است نیز نمی‌تواند به تشخیص فاعل کمک کند زیرا خود این کلمه نیز می‌تواند به‌جای ضمائر متصل مختلف به کار رود. با بررسی داده‌های زبانی مربوط، مشخص گردید که تقریباً همه گویشوران گروه‌های مختلف از این صورت‌های شناسه‌های فعلی که خاص گویش آنها است در گفتار خویش استفاده نموده‌اند. بنابراین از ارائه جدول صرف نظر گردیده است.

۳.۲. متغیرهای نحوی

متغیرهای نحوی بررسی شده در گویش نهندانی شامل حذف حروف اضافه، جایگزینی حرف اضافه /xod/ با حرف اضافه /bâ/ و استفاده از صورت‌های متفاوت ضمائر شخصی و متصل که خاص این گویش است، می‌باشد.

۲.۳.۱. حروف اضافه

حروف اضافه، واژه‌های دستوری نقشی هستند که صورتی ثابت دارند و فقط مقابل اسم ظاهر می‌شوند و نقش یا رابطه دستوری آن اسم را مشخص می‌سازند (همان ۱۱۰).

۲.۳.۱. حذف حروف اضافه

طبق نظر جهانگیری (۲۰۰۰: ۱۵۹)، پربسامدترین حروف اضافه در فارسی امروز عبارتند از «به، در، از، بر، با، بی، تا، جز و برای». از میان این حروف اضافه، برخی تمایل زیاد به حذف شدن دارند و برخی یا در هیچ بافتی حذف نمی‌شوند و یا به ندرت حذف می‌شوند. به‌طور کلی، حروف اضافه از این لحاظ به سه گروه تقسیم می‌شوند:

۱- حروفی که تمایل زیادی به حذف دارند، مانند: /be/, /dar/

۲- حروفی که به ندرت حذف می‌شوند (مگر در بافتی خاص و همراه با

واژگان خاص)، مانند: /bar/, /'az/

۳- حروف اضافه‌ای که در هیچ بافتی، هرگز حذف نخواهند شد، مانند:

/bâ/, /bi/, /tâ/, /dʒoz/ , /barâye/

پس از بررسی حروف اضافه در پیکره زبانی گویشوران نهبندانی، مشاهده گردید که حرف اضافه /be/، به شدت با افعال خاصی که بیانگر نوعی جابه‌جایی هستند همچون «رفتن»، «آمدن» و «برگشتن» میل به حذف شدن دارد که البته حذف این حرف اضافه در فارسی معیار نیز مشاهده شده است که در زیر نمونه‌هایی ارائه شده است.

فارسی معیار /qorub bar mi-gard-im be rustâ-(y)-e xoʃ 'âb o havâ-(y)-i/ (25)

«غروب برمی‌گردیم به روستای خوش آب و هوایی»

مرد مسن باسواد /xorub bar mi-gard-e Ø rustâ-e xoʃ 'âb o havâ-e/

گاهی نیز گویشوران به جای حرف اضافه /be/ از نشانه /râ/ که بیشتر در قدیم رایج بوده است، استفاده نموده‌اند.

26) i. be man goft → man râ goft → man re goft-ak → men-e goft-ak

۳۲ / تأثیر متغیرهای اجتماعی بر کاربرد متغیرهای زبانی فارسی در نهبندان: ساخت هجا، عناصر ...

نشانه /râ/ که گاهی در این گویش کاربرد حرف اضافه دارد در گفتار گویشوران به صورت سه متغیر /râ/، /re/ و /e/ مشاهده شده است. اگر واژه قبل از نشانه حرف اضافه به همخوان ختم شود، متغیر /e/ کاربرد دارد.

27) i. /be man goft/ فارسی معیار

«به من گفت.»

/men-e goft-ak/ زن جوان بی سواد

ii. /nafar-hâ-(y)-i ke raft-and be 'ân-hâ yek âbguft-i ham mi-dah-and/ فارسی معیار

«نفرهایی که رفتند به آنها یک آب گوشتی هم می دهند.»

/nafar-un-i ke raft-e 'uŋu ra yag e:guft-i (y)a mi-d-e/ مرد جوان بی سواد

الف. حذف حرف اضافه /dar/

حرف اضافه /dar/، نیز به مراتب پیش از اسم مکان، حذف شده است.

28) /dar birdʒand ŋowkatiye râ dâr-im/ فارسی معیار

«در بیرجند شوکتیه را داریم.»

/Ø birdʒand ŋowkatiye re dâr-em/ مرد مسن باسواد

با توجه به داده های زبانی، مشاهده گردید که حروف اضافه 'az' و 'tâ' به معنای نقطه شروع و پایان، در هیچ بافتی حذف نشده اند.

29) i. /'az yek ruz qabl-aŋ hamâhang-i mi-kon-im/ فارسی معیار

«از یک روز قبلش هماهنگی می کنیم.»

/'az yeg ruz ɣabl-u hamâhang-i mi-n-e/ زن مسن باسواد

ii. /xânom tã sã?at-e yek madrese `ast/

فارسی معیار

«خانم تا ساعت یک مدرسه است.»

/xanom madrasa`e ta sã?at yek/

مرد جوان باسواد

۲.۳.۱. جایگزینی حرف اضافه

یکی دیگر از متغیرهای نحوی مشاهده شده در گفتار گویشوران نهندانی، استفاده از حرف اضافه /xod/ به جای حرف اضافه /bã/ است.

الف. جایگزینی حرف اضافه /xod/ با حرف اضافه /bã/

در فارسی گفتاری نهندان، علاوه بر حروف اضافه‌ای که در فارسی معیار وجود دارد، حرف اضافه /xod/ که به جای حرف اضافه /bã/ کاربرد دارد، نیز مشاهده شده است و در گفتار گویشوران با بسامد متفاوت به کار می‌رود.

30)

i. /bã ham moxâlef bud-and/

فارسی معیار

«با هم مخالف بودند.»

/xod ham moxâlef bed-e /

مرد مسن بی سواد

ii. /bã `amme-hã-(y)-emân in-hã raft-im/

فارسی معیار

«با عمه‌هایمان این‌ها رفتیم.»

/xod `ame-gun xo i?o raft-e/

پسر نوجوان دارای والدین بی سواد

با توجه به جدول‌های (۱۱) و (۱۲) بیشترین میزان جایگزینی حرف اضافه /xod/ به زنان و مردان مسن بی سواد و کمترین میزان آن به زنان مسن باسواد و نوجوانان دختر و پسر دارای والدین باسواد اختصاص داشته است. متغیر تحصیلات، در تمایز گفتار افراد باسواد و

۳۴ / تأثیر متغیرهای اجتماعی بر کاربرد متغیرهای زبانی فارسی در نهبندان: ساخت هجا، عناصر ...

بی سواد و در میزان استفاده از حرف اضافه /xod/، نقش مهمی داشته است به طوری که گفتار گویشوران باسواد، نسبت به گویشوران بی سواد، به فارسی معیار بسیار نزدیک تر است.

به جز زنان و مردان مسن بی سواد که به یک میزان از حرف اضافه /xod/ استفاده نموده اند، در بقیه گروه ها، زنان نسبت به مردان، گفتارشان به فارسی معیار نزدیک تر است. در گروه نوجوانان، دختران و پسران نوجوان دارای والدین باسواد، در هیچ موردی از حرف اضافه /xod/ استفاده ننموده اند و نوجوانان دارای والدین بی سواد نیز نسبت به گویشوران مسن بی سواد به میزان کمتری از حرف اضافه /xod/ استفاده نموده اند. افزایش سن، تنها در تمایز گفتار پسران دارای والدین باسواد و افراد مسن هم گروهشان نقش تعیین کننده دارد. علاوه بر این، جنسیت به عنوان یک متغیر اجتماعی در تمایز گفتار گویشوران نوجوان نقشی ندارد. هم چنین، نوجوانان دارای والدین باسواد گفتارشان به فارسی معیار نزدیک تر است.

جدول ۱۱. درصد استفاده از حرف اضافه /xod/ به جای /bâ/ در جوانان و گویشوران مسن بر حسب سن، جنسیت و تحصیلات

تحصیلات	مرد				زن			
	مسن		جوان		مسن		جوان	
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
باسواد	۵	۵۵/۵۵	۱۰	۷۶/۹۲	۱	۵/۸۸	۵	۳۵/۷۱
بی سواد	۳	۱۰۰	۱۴	۹۳/۳۳	۵	۱۰۰	۱۱	۶۸/۷۵

جدول ۱۲. درصد استفاده از حرف اضافه /xod/ به جای /bâ/ در نوجوانان بر حسب جنسیت و تحصیلات والدین

پسر		دختر		والدین
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۰	۰	۰	۰	باسواد
۱۴	۸۷/۵	۸	۸۸/۸۸	بی سواد

۲.۳.۲. ضمائر

به عقیده مشکوه‌الدینی:

در زبان فارسی، ضمیر به‌عنوان واژه دستوری، تنها به شخص و شمار اشاره دارد و همواره دارای مرجع است. واژه ضمیر برحسب صورت آوایی و نیز ویژگی‌های صرفی و نحوی آن در هفت دسته ضمیر شخصی، ضمیر متصل، ضمیر مشترک انعکاسی و تأکیدی، ضمیر متقابل، ضمیر اشاره، ضمیر پرسشی و ضمیر نامشخص قرار می‌گیرد.

مشکوه‌الدینی (۱۳۸۱)

در این پژوهش، از بین ضمائر مختلف تنها به بررسی ضمائر شخصی و ضمائر متصل پرداخته شده است.

الف. ضمائر شخصی

ضمائر شخصی رایج در زبان فارسی معیار از دیدگاه مشکوه‌الدینی (۱۳۸۱: ۱۷۵) در جدول ۱۳ ارائه شده است.

جدول ۱۳. ضمائر شخصی فارسی معیار

ضمائر شخصی	اول شخص	دوم شخص	سوم شخص
مفرد	man	to/ʃomâ	u
جمع	mâ	ʃomâ	ânhâ/ iʃân/ ânân

با توجه به داده‌های زبانی به‌دست آمده از گفتار گویشوران، صورت ضمائر شخصی در گویش نهبندانی به‌گونه زیر خواهد بود.

جدول ۱۴. ضمائر شخصی گویش نهبندانی

ضمائر شخصی	اول شخص	دوم شخص	سوم شخص
مفرد	/ma ~ mo ~ me/	/to ~ ʃomâ ~ ʃmâ/	/u/
جمع	/mâ ~ me.ʃmâ/	/ʃomâ ~ ʃmâ/	/iʃu ~ iʃa , iʃi / , /uʃu ~ uʃo /

ضمایر اول شخص جمع «ما» در گویش نهندانی، معانی متفاوتی دارد. /mâ/، ضمیر فاعلی اول شخص مستثنی^۱ می‌باشد که مخاطب را در بر نمی‌گیرد و /meʃmâ/، ضمیر اول شخص شامل^۲ است که مخاطب را نیز در بر می‌گیرد (مکنزی^۳، ۱۹۷۱: ۴-۶-۹). هر دو این ضمایر، با بسامد متفاوت، در گفتار گویشوران نهندانی مشاهده شده است.

فارسی معیار /i. / bâzi-(y)-e mohall-i-(y)-e mâ haft sang 'ast/ 31)

«بازی محلی ما هفت سنگ است.»

/bēzi mohall-i mešmâ haf sing-a/

پسر نوجوان طبقه پایین

فارسی معیار /i. /fomâ 'agar soʔâlât-etân râ 'avval be-guy-id/ 32)

«شما اگر سئوالاتان را اول بگویید.»

/fomâ 'agar soâlât xa 'avval b-guy-e/

مرد جوان باسواد

ii. /man dar hâl-e hâzer be 'onvân-e honar 'âmuz-e honarestân maʃqul hast-am/ فارسی معیار

«من در حال حاضر به‌عنوان هنرآموز هنرستان مشغول هستم.»

/me dar hâl-e hâzer be 'onvân-e honarâmuz-e honarestân maʃqul hast-u/

مرد مسن باسواد

iii. /mâ ke 'arus-i raft-im/

فارسی معیار

«ما که عروسی رفتیم.»

/mâ xo 'arus-un raft-e/

زن مسن بی‌سواد

iv. /baʔd ham bâz 'ân-hâ xâne-e xod-eʃân mi-'ây-and/

فارسی معیار

«بعد هم باز آنها خانه خودشان می‌آیند.»

/ʊʃu ba:d-a vâz mi-(y)-â-(y)-e xune xod xo/ زن جوان بی‌سواد

¹ exclusive

² inclusive

³ Mackenzie

ب. ضمایر متصل

ضمایر متصل غیر فاعلی، در فارسی معیار، به عقیده مشکوه‌الدینی (۱۳۸۱: ۱۷۷) به قرار زیر است:

جدول ۱۵. ضمایر متصل غیر فاعلی فارسی معیار

سوم شخص	دوم شخص	اول شخص	ضمایر متصل غیر فاعلی
-aʃ	-at	-am	مفرد
-eʃân	-etân	-emân	جمع

با توجه به بررسی‌هایی که بر روی پیکره زبانی گویشوران نهبندانی صورت گرفت، مشاهده گردید که گویشوران نهبندانی از ضمایر شخصی مورد استفاده در گویش خود، که در بالا ذکر گردید، به جای ضمایر متصل موجود در فارسی معیار استفاده نموده‌اند و گاهی نیز واژه /xO/ را به جای همه صورت‌های مفرد و جمع ضمایر متصل به کار برده‌اند. البته ممکن است تصور شود که کلمه /xO/ همان ضمیر انعکاسی /xod/ است که همخوان پایانی آن حذف شده است، اما این گونه نیست به این دلیل که در پیکره زبانی به‌دست آمده، مشاهده شده است که واژه /xO/ به همراه ضمیر انعکاسی /xod/ نیز آمده و همان نقش ضمیر متصل را ایفا کرده است. در زیر، نمونه‌هایی از تغییرات صورت گرفته در ضمایر متصل در گویش نهبندانی در قالب جمله، آورده شده است.

33) فارسی معیار i. /xâne-e doxtar-am mi-rav-am/

«خانه دخترم می‌روم.»

/xune doxtar xo mi-r-o/

زن مسن بی‌سواد

ii. /diplom-aʃ râ gereft-e ʻast/

فارسی معیار

«دیپلمش را گرفته است.»

/diplom xo re goroft-e/

مرد مسن بی‌سواد

iii. /xâhar-am mariz 'ast/

فارسی معیار

«خواهرم مریض است.»

/xâhar me mariz hasse/

زن جوان بی سواد

iv. /'in dʒur ke xod-etân mi-bin-id/

فارسی معیار

«این جور که خودتان می بینید.»

/'i dʒur ke xod fômâ mi-bin-e/

مرد مسن بی سواد

v. /lebâs-hâ-(y)-af râ be tan-af mi-kon-and/

فارسی معیار

«لباس هایش را به تنش می کند.»

دختر نوجوان دارای والدین بی سواد

/lebâs-â 'u ra va bar-u me-n-e/

بررسی جدول‌های (۱۶) و (۱۷) نشان می‌دهد که متغیر تحصیلات، تنها در تمایز گفتار گویشوران زن باسواد و بی سواد نقش داشته است و در گروه مردان، اختلاف گفتار گویشوران باسواد و بی سواد، بسیار کم است. متغیر جنسیت نیز تنها در تمایز گفتار زنان و مردان باسواد نقش بسزایی دارد.

در گروه نوجوانان می‌توان گفت عامل سن، تنها در تمایز گفتار نوجوانان پسر و دختر دارای والدین باسواد و گویشوران مسن باسواد تمایز دهنده است زیرا در بقیه گروه‌ها، اختلاف گفتار نوجوانان و گویشوران مسن ناچیز است. عامل جنسیت نیز تنها در تمایز گفتار نوجوانان دختر و پسر دارای والدین باسواد نقش دارد به طوری که در این گروه، گفتار پسران به فارسی معیار نزدیک‌تر است. گفتار پسران دارای والدین باسواد، نسبت به پسران دارای والدین بی سواد، به فارسی معیار نزدیک‌تر است، اما سواد والدین نقش مؤثری در تمایز گفتار دختران نوجوان ندارد.

جدول ۱۶. درصد استفاده از ضمائر شخصی به جای ضمائر متصل در جوانان و گویشوران مسن بر حسب سن، جنسیت و تحصیلات

تحصیلات	زن				مرد			
	جوان		مسن		جوان		مسن	
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
باسواد	۶۶/۶۶	۵	۴۲/۵	۱۷	۱۰۰	۲۴	۹۵/۴۵	۲۱
بی سواد	۸۸/۲۳	۳۰	۱۰۰	۲۷	۹۵/۸۳	۲۳	۱۰۰	۱۴

جدول ۱۷. درصد استفاده از ضمائر شخصی به جای ضمائر متصل در نوجوانان بر حسب جنسیت و تحصیلات والدین

والدین		دختر		پسر	
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
باسواد		۸۶/۳۶	۱۹	۶۶/۶۶	۱۲
بی سواد		۹۰/۹۰	۲۰	۹۲	۲۳

۳. نتیجه گیری

در این پژوهش که به بررسی رابطه متغیرهای اجتماعی جنسیت، سن و تحصیلات با برخی از متغیرهای زبانی ساخت هجایی، ساخت واژگی و نحوی گویشوران نهمندانی جنس مؤنث و مذکر در سه گروه سنی شامل نوجوانان (۷-۱۲) دارای والدین باسواد و بی سواد، جوانان (۳۰-۲۵) و افراد مسن بالای ۵۰ سال باسواد و بی سواد پرداخته است، پس از تجزیه و تحلیل آماری، بسامد برخی از این متغیرهایی که در گفتار گویشوران مؤنث و مذکر دو گروه باسواد و بی سواد از بسامد وقوع بالایی برخوردار بودند، ملاحظه گردید:

- با توجه به نتایج به دست آمده از تحلیل داده‌ها، اساساً نقش تحصیلات در تمایز گفتار افراد باسواد و بی‌سواد مؤثر بوده است. اما با این وجود، در برخی گروه‌ها مشاهده گردید اختلاف گفتار گویشوران باسواد و بی‌سواد ناچیز است؛ مثلاً در متغیر تبدیل نشانه نکره /i/ به /e/ مشاهده گردید تحصیلات، تمایز دهنده گفتار گویشوران باسواد و بی‌سواد نیست و یا در متغیر استفاده از ضمائر شخصی به جای ضمائر متصل، مشاهده گردید که میزان تحصیلات نقشی در تمایز گفتار گویشوران مرد ندارد.
- بررسی تأثیر جنسیت بر گفتار گویشوران جوان و مسن نهندانی نیز نشان داد جنسیت، عاملی مهم در ایجاد گوناگونی‌های زبانی است به طوری که در بیشتر موارد، گفتار زنان به فارسی معیار نزدیک‌تر است. با این حال، مشاهده گردید، در برخی موارد، جنسیت نقشی در تمایز گفتار گویشوران مسن باسواد و بی‌سواد نداشته است؛ به عنوان مثال، میزان استفاده از حرف اضافه /xod/ به جای /ba/ تمایز دهنده گفتار گویشوران زن و مرد مسن نیست. و یا این که در متغیر تبدیل نشانه نکره /i/ به /e/ مشاهده گردید این متغیر، تنها در تمایز گفتار گویشوران زن و مرد مسن و جوان باسواد نقش دارد.
- در حالی که افزایش سن در گروه گویشوران باسواد با افزایش استفاده از صورت‌های معیار همراه است، اما در بین نوجوانان، در مقایسه با افراد مسن هم گروهشان، نتایج متفاوتی به دست آمده است و نمی‌توان به رابطه همبستگی مشخصی دست یافت.
- در بیشتر موارد، به جز در چند مورد، متغیر جنسیت نقشی در تمایز گفتار دختران و پسران نوجوان نداشته است. بررسی‌ها نشان داد نقش جنسیت، در میزان استفاده از ضمیر شخصی به جای ضمیر متصل و استفاده از صورت‌های مختلف پیشوند استمراری /-mi/ تنها در تمایز گفتار دختران و پسران نوجوان دارای والدین بی‌سواد نقش دارد و نیز این که نقش جنسیت، در میزان استفاده از خوشه

همخوانی، تنها در گفتار دختران و پسران دارای والدین بی‌سواد تمایزدهنده است.

- گفتار نوجوانان دارای والدین باسواد، نسبت به نوجوانان دارای والدین بی‌سواد، به فارسی معیار نزدیک‌تر است.

منابع

احمدی گیوی، حسن، انوری، حسن (۱۳۸۷). دستور زبان فارسی (۱). ویرایش سوم. تهران: فاطمی. آهنگر، عباسعلی (۱۳۸۲). «توصیف دستگاه واجی گویش سیستانی». مجله گویش‌شناسی: ضمیمه نامه فرهنگستان. فرهنگستان زبان و ادب فارسی، جلد اول. صص. ۴-۳۱.

آهنگر، عباسعلی، شاهسوار، محبوبه. (۱۳۸۸). «بررسی متغیرهای اجتماعی-زبانی فارسی در گویش نهبندانی: همخوان‌ها». مجله زبان و زبان‌شناسی. سال پنجم، شماره دوم، صص. ۱۱۲-

۸۱

جهانگیری، نادر (۱۳۷۸). زبان، بازتاب زمان، فرهنگ و اندیشه: مجموعه مقالات. تهران: آگاه.

داورپناه، الهام (۱۳۸۵). بررسی اجتماعی زبان فارسی در مشهد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه سیستان و بلوچستان.

سمائی‌نیا، فهیمه (۱۳۸۴). بررسی پاره‌ای تغییرات اجتماعی و جغرافیایی زبان فارسی در سبزوار بر پایه نظریه ویلیام لباو. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه سیستان و بلوچستان

صادقی، علی اشرف (۱۳۸۰). مسائل تاریخی زبان فارسی: مجموعه مقالات. تهران: سخن.

مدرسی، یحیی (۱۳۶۸). در آمدی بر جامعه‌شناسی زبان. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

مشکوه‌الدینی، مهدی (۱۳۸۱). دستور زبان فارسی بر پایه نظریه گشتاری. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.

_____ (۱۳۸۴). دستور زبان فارسی: واژگان و پیوندهای ساختی. تهران: سمت.

- Arvaniti, A, G. Garding (2005). "Dialectal variation in the rising accents of American English" (prepublication version). In J. Cole & J. H. Hualde (eds.), *Papers in Laboratory Phonology 9*. Berlin, New York: Mouton de Gruyter. pp. 547-576.
- Blake, R, Josey, M (2003). "The /ay/ diphthong in a Martha's Vineyard community: what can we say 40 years later? ". *Language in Society*. PP. 32, 451-485.
- Bradac, J, A. Mulac & S. Thompson (1995). "Men's and women's use of intensifiers and hedges in problem-solving interaction: Molar and Molecular analyses". *Research on language and social interaction*. PP. 28, 93-116.
- Britian, D, Matsumoto, K. (2005). *Language, communities, network and practice*. Retrived from <http://homepages.tesco.net>
- Buchstaller, I (2006). *Diagnostics of age-graded linguistic behaviour: the quotative system*. Stanford University: California.
- Cheshire, J (2005). *Sex and gender in variationist research*. Oxford: Blackwell.
- Eckert, P (2000). *Linguistic variation as social practice*. Oxford: Blackwell.
- Holmses, J (1995). "Glottal stops in New Zealand English: An analysis of variants of word final /t/". *Linguistics*..Cheshire, J., & Milroy, J. (Eds). PP. 33, 433-463.
- Hudson, R. A (1996). *Sociolinguistics*. 2nd ed. New York: Cambridge University Press .
- Intachakra, S (2001). *Linguistic politeness in British English and Thai: A comparative analysis of three expressive speech acts*. PhD dissertation. University of London.
- Jahangiri, N (2000). *A Sociolinguistic Study of Persian in Tehran*. Tokyo University of Foreign Studies: Tokyo Press Co. Ltd.
- Kerswill, P (2006). *Socio-Economics Class*. London: Routledge. Retrived from www.ling.lancs.ac.uk.
- Kuha, M (2005). *Investigating the spread of so as an intensifier: Social and structural factors*. In Ch. Sunakawa, T. Ikeda, Sh. Finch, & M. Shetty (eds.) *Texas Linguistic Forum* 48. PP. 217-226 .
- Labov, W (1966). *The social stratification of English in New York City*. Washangton D. C.: Center for Applied Linguistics.

- Labov, W (2001). *Principles of linguistic change: Social factors*. Oxford: Blackwell.
- Macaulay, R. K. S (2005). *Talk that court age, gender and social class differences in discourse*. Oxford: Oxford University Press .
- Mackenzie, D. N (1971). *A concise Pahlavi Dictionary*. London: Oxford.
- Maclagan, M. A, E. Jordon & G. Lewis (1999). "Woman and sound change: Conservative and innovative behavior by the same speakers". *Language, Variation and Change*. PP. 11, 19- 41.
- Mendoza, M (2005). Gender roles and the variants of /r/. Drexel University.
- Modaressi, Y (1978). *A sociolinguistic investigation of modern Persian*. PhD. Dissertation. University of Kansas.
- Pradilla, M. A (2003). *Representation of variatrion in the ambit of the Catalan language:Transfers and transactions*. Retrived from: http://cultura.Gencat.net/llengcat_noves.
- Rau, D. V, H. A Chang (2006). "Phonological variation and sound change in Yami on Orchid Island". *Language and Linguistics*. 5. PP. 461- 488.
- Trudgil, P (1974). *The social differentiation of English in Norwich*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Wardhaugh, R (1986, 1992). *An Introduction to Sociolinguistics*. Oxford: Blackwell www.istta.ir.